

تورامن چشم در رانم

علاقه‌ای به تلویزیون نداشتم، زمانیکه حوصله‌ام سر می‌رفت خودم را با برنامه‌های کودک و نوجوان سرگرم می‌کردم. آن روز بر حسب اتفاق یکی از کانال‌ها را انتخاب کردم که در حال پخش کردن یک قطعه موسیقی مخصوص کودکان بود. شعر و حتی نحوه خواندن بچه‌گانه بود ولی سازهای استفاده شده فانتزی و قطعه‌ای پرتحرک که شادی کودکان را موجب می‌شد. البته برای مسئولان و حتی والدین همین که کودک، به ظاهراً شاد باشد کافی است و از ظاهر نتیجه می‌گیرند، الحمدالله بیت‌المال به هدر نرفته است. لابد سازنده‌ی محترم به خاطر چنین کار فرهنگی پول خوبی، عایدش شده است. نوش جانش! دیگران هم یاد بگیرند کار فرهنگی بکنند! از طرف دیگر کودکان این مرز و بوم باید شاکر باشند که در این آشفته بازار یکی پیدا شده و برای این قشر آینده‌ساز دل می‌سوزاند و آتش به مالش می‌زند. اما آهنگسازان کودک فراموش کرده‌اند که قبل از اینکه برای کودکان قطعه بسازند باید تجربه‌ی لازم و روان‌شناسی کودک را بدانند. متأسفانه بیشتر آهنگسازانی که برای کودکان آهنگ می‌سازند یا در آن مقطع زمانی پیشنهاد کاری نداشتند و هر کاری را می‌پذیرند و یا همزمان در چندین جا کار می‌کنند و یا ساختن بعضی قطعات موظفی است. در این فرصت نوشتاری می‌خواهیم گزارش گونه‌ای در مورد روند موسیقی مقطع کودک و نوجوان بنویسیم.



دکتر آمن خادمی

■ **ناصر نظیر** در گفت و گویی می‌گوید: آهنگساز ویژه‌ی کودک باید اصول روان‌شناسی کودکان را یاد بگیرد. متأسفانه به این رشته و تخصص نگاه درستی نمی‌شود. آهنگسازان کودک باید خود را بچه فرض کرده و با دنیای کودکان زندگی کنند. اما آنها در سنین بالا کودکی خود را فراموش می‌کنند و حتی به تغییرات اجتماعی دوره‌ها توجهی ندارند. وی می‌افزاید: موسیقی کودک دارای ابعاد آموزشی است آثاری که متناسب با این فکر ساخته می‌شوند باید چنان قوی و استوار باشند که سالهای سال انتشار یافته و کودکان حداقل برای یک دهه با آن ارتباط داشته باشند ولی در سالهای اخیر جز تعداد معدودی کمتر شاهد ماندگاری آثار هستیم». عرصه‌ی موسیقی هم از پیشرفت علم و تکنولوژی بی‌نصیب نمانده است. رواج انواع سیتی‌سایزها که همزمان صدای چندین ساز را با همدیگر ترکیب می‌کنند کار بسیاری از آهنگسازان

را راحت کرده است. این دستگاه با اینکه عمر طولانی ندارد ولی استفاده از آن فراوان شده است. البته هیچ انسان عاقلی طالب ضرر نیست. عصر، عصر تکنولوژی است و آهنگسازان مجبور نیستند بیخودی پول نوازنده بدهند! چون تهیه‌کننده‌ها تا از فروش بالای کار مطمئن نشوند روی آن سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. پس یک آهنگساز به تنهایی و با سرمایه‌ای متوسط هم می‌تواند یک کاست با قیمت نازل بیرون بدهد و حتی می‌تواند آنرا بسادگی به یک سازمان فرهنگی بفروشد. ■ **محمد میرزمانی** سازنده‌ی قطعات، نماز سرچشمه‌ی پاکبها، خون مهتاب، لالایی عاشورا و ... در مورد ویژگی‌های قطعه‌ای که برای کودکان نوشته می‌شود می‌گوید: «یک قطعه موسیقی از چهار عنصر ریتم (وزن)، اصوات یا نتها (زیر و بمی صداها)، وسیله اجرا مانند ساز یا صدای انسان و هارمونی یا هماهنگی تشکیل می‌شود طبیعی است کودک به سمت موسیقی‌ای

کشیده می‌شود که برایش جذابیت داشته باشد. لذا برای کشش در کودکان جهت ارتباط با موسیقی باید این چهار عنصر برای کودکان واضح و شفاف و قابل درک باشد». وی افزود: «شاید ریتم، ملودی، ارکستر یا سازها و خوانندگان و هارمونی زیاد پیچیده نباشد. اما باید شکل ساده‌ای بکار گرفته باشد که در هر صورت کودک به سمت آن موسیقی کشیده می‌شود. مثلاً ملودی به حدی جذاب و شاد باشد که او را به طرف خود جذب کند یا سازها بطوری واضح و مشخص (البته با همراهی ساده آکومپانیان) استفاده شده که برای کودک قابل شناسایی باشد. یا ریتم قطعه برای او قابل درک و جذاب باشد البته استفاده از آکوردهای مطبوع در تنظیم قطعه نیز برای ایجاد ارتباط نیز بسیار مؤثر است». این آهنگساز در مورد استفاده زیاد از سازهای الکترونیکی می‌گوید: «مقابله با دستاوردهای جدید و فن‌آوری روز عاقلانه

نیست و بهتر است از امکان، شرایط جدید فن آوری روز بیشترین بهره‌برداری صورت گیرد و با کوتاه نظری و ساده‌اندیشی راه پیشرفت و خلاقیت‌های متنوع، را محدود ننماییم.

با این همه، لازم است آگاه باشیم که استفاده‌ی زیاد از دستگاه الکترونیکی، بدون اراده‌ی طریق مناسب و بدون توجه به خطر افراط در تصنیف و تولید موسیقی مصرفی و بدون هویت چه ضربه‌ها و لطامات جبران‌ناپذیری به زیر بنای فرهنگی ایران و موسیقی ایرانی وارد خواهد آورد.»

می‌گویند: آلبرت اینشتین در کودکی کم‌هوش و کودن بود. والدین او برایش ویلن خریدند. موسیقی کلیدی بود که موجب شد اینشتین پیشرفت خود را مدیون موسیقی بداند. این موضوع اهمیت موسیقی در کنار یادگیری دانش‌آموزان را نشان می‌دهد و اکثر مدارس معتبر دنیا با آموزش مواد درسی جایگاه ویژه‌ای برای آموزش موسیقی در نظر گرفته‌اند. البته در ایران هم زمزمه‌هایی شنیده می‌شود که می‌خواهند موسیقی را از دبستان به کودکان آشنایی دهند.

این باعث می‌شود که در رشته‌هایی که ما به نوعی واردکننده‌ی آن هستیم مثل موسیقی پاپ نوعی هماهنگی فرهنگی بوجود آوریم و دیگر از نداشتن اساتید مجرب در این زمینه رنج نبریم. اما یادمان نرود ما ایرانیها حرف زیاد می‌زنیم.

■ فریبرز لاچینی آهنگساز، در گفت‌وگویی در مورد تفاوت موسیقی کودک و بزرگسالان می‌گوید: «در ابتدا باید کودک ملودی بشنود و خود را با آن هماهنگ کند. فواصل این ملودی‌ها باید کوتاه و نوسانات آنها بسیار کم

باشد. وسیع نبودن این ملودی‌ها سبب می‌شود که بچه‌ها به آسانی با شعر و موسیقی هم‌آواز شوند. صدای دنیای کودکان، فقط توسط برخی از سازها تکرار می‌شود. به همین سبب من بیشتر از سازهای پرکاشن، سازهای کوبه‌ای، ضربه‌ای مانند (قاشقک) و بیرافون و تری‌یانگ استفاده می‌کنم. البته انتخاب سازها به نوع شعر هم بستگی دارد. اصولاً ساخته‌های من برای کودکان ساده هستند.»

وی در مورد شعر در موسیقی کودک می‌افزاید: «برای استفاده از شعر در موسیقی کودک، باید جنبه‌های مختلف لحاظ شود. شعر کودک باید ساده، روان و روشن و در ضمن تابع زبان خاص کودک باشد. سیلاب‌های کوتاه در شعر و تکرار اشعار هم، اهمیت خاص خود را دارد. زبان حیوانات نیز در انتقال معنی، اهمیت بسزایی دارد.»

وی در مورد تفاوت شیوه‌ی تدریس موسیقی به کودکان با آموزش در دوران نوجوانی و جوانی می‌گوید: «من در خصوص تدریس موسیقی به کودکان به نتایج تازه‌ای رسیده‌ام که این تجربه باعث شد برای کودکانی که هنوز اعداد و حرف را نمی‌شناسند کتابی بنویسم. یکی از عناصری که کودک نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد، رنگ است. من با آگاهی از این مسئله توانستم تنها و ریتم‌های موسیقی را با رنگهای زنده که مورد توجه کودک است تطبیق دهم.

درواقع کودک از طریق رنگها به راحتی می‌تواند نتهای موسیقی را بخواند و آن را تجربه کند.»

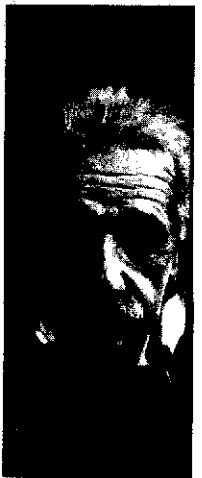
این هنرمند می‌افزاید: «ما استفاده از روش‌های صحیح می‌توان فرهنگ و درک معنی موسیقی را به کودک آموزش داد. بنابراین در اولین قدم باید موسیقی مخصوص کودک را آماده کنیم. کودکی که موسیقی را می‌شناسد،

با کودکی که هیچ درکی از موسیقی ندارد، متفاوت است. جوانی که در کودکی، از همه نوع موسیقی به او تزریق کرده اند، در سالهای بعدی هیچ درک صحیحی از موسیقی نخواهد داشت و اما کودکی که با موسیقی آشنا باشد، از همان ابتدا درکی اصولی از موسیقی دارد و براحتی موسیقی اصیل و کاذب را از یکدیگر تمیز می‌دهد.»

برای بالا رفتن فرهنگ شنیداری کودکان می‌توان انواع موسیقی علمی و سالم که مبتنی بر قواعد علمی و فنی موسیقی باشد تجویز کرد که در صورت وجود عناصری مثل ساز مناسب، ریتم، هارمونی و صوت این موسیقی‌ها برای کودک جذابتر خواهد بود. متأسفانه کودکان آثاری را گوش می‌دهند که برگرفته از موسیقی مصرفی است و این موسیقی به فرهنگ ملی و کلاسیک ایران ضربه می‌زند و به مرور زمان، رابطه‌ی کودکان را در شناخت موسیقی دچار اختلال می‌کند، به نحوی که این موسیقی (ایرانی) به مرور زمان محو شود.

■ مسعود نظر آهنگساز کودک در مورد ویژگی موسیقی کودک می‌گوید: «ملودی‌ای که از تنهایی با فواصل کم ساخته می‌شود می‌تواند در ذهن بماند چون کودکان ملودیهای سخت را نه می‌توانند یاد بگیرند و نه می‌توانند بنوازند. ریتم باید پرتحرک (نه شلوغ) شاد و در عین حال روان باشد و با توجه به خصوصیات روان‌شناسی بچه‌ها باید موسیقی فعال و گویا و در عین حال آسان باشد.»

وی می‌افزاید: «قواعد و اصول موسیقی برای بچه‌ها سنگین است. چون موسیقی یک قواعد بین‌المللی دارد که این ریتم و اصطلاحات حتی برای بزرگسالان سخت است چه رسد به کودکان. البته بچه‌ها می‌توانند بوسیله‌ی معلم و مربی و به روش بازی یا روش‌های خاص



آلبرت اینشتین

آراف» (قواعد تئوریهای موسیقی به صورت سازی به کودک آموزش می‌دهند) موسیقی را یاد بگیرند.

شعر یکی از عناصری است که در موسیقی مشرق زمین بخصوص برای ما ایرانیها اهمیت بسیاری دارد. لذا پیشتر آثار موسیقایی که در ایران تصنیف می‌شود با کلام است که برای ترسیم و خلق تصویر در یک قطعه موسیقی می‌تواند مؤثر باشد. شعر در موسیقی کودک خیلی مهم است و بسیار اهمیت دارد که کودک بتواند شعر را بخواند و با آن ارتباط برقرار کند. به همین خاطر شاعر باید متخصصی سرورتن اشعار کودکان باشد.

■ رضا مهنوی مدرس هنرستان دانشکاه و عضو شورای دفتر تألیف کتب درسی آموزش و پرورش که چند سالی است فعالیت ویژه‌ای برای ورود موسیقی جهت شناسایی - نه آموزش - و تلفیق موسیقی با دیگر دروس پنج مقطع ابتدایی دارد می‌گوید: اول این که موسیقی کودک در ایران مصداق حقیقی و واقعی ندارد برای این که سابقه و پیشینه‌ی زیادی ندارد برای ساخت موسیقی کودک در ایران از چند فرمول همیشگی استفاده می‌شود: ۱- یا روی شعری که به زبان بزرگسالان است، ملودی کودکان می‌گذارند و یا این که روی شعری با زبان شکسته و محاوره‌ای و کودکانه، موسیقی‌ای یا ملودی‌های سنگین و ریتم‌های پیچیده می‌گذارند.

۲- این که آموزش موسیقی کودک در مراکز مختلف فعلی از الگوهای آموزشی درستی پیروی نمی‌کند. معلمان اگر هم تمایلی به واسطه‌ی نیاز و یا درخواست مقطعی اولیا و مربیان پیدا کنند برای آسانتر کردن کار آموزش، از ریتم‌های ۴/۴ و ۲/۴ استفاده می‌کنند در حالی که فهم و درک درست این ریتم‌ها مربوط به درک سنین بزرگسالی است. در

مراکز آموزشی جهان به همین جهت هم از ریتم‌ها یا شرایط دیگری شروع می‌کنند و این در حالی است که فرم و بافت موسیقی آنها با ریتم ۲/۴ سازگارتر است. اما موسیقی ایرانی به‌ویژه - موسیقی مشرق زمین مثل هند و چین و عرب و غیره تابع بحث دیگری است - با ریتم ۶/۸ و ریتم‌های خانواده‌ی آنها نزدیکی دارد و این ریتم ۶/۸ بنا به نوع ادبیات و الحان و فطرت ایرانی در عین پیچیدگی‌های خود نسبت به ریتم ۲/۴ که اصطلاحاً ساده ذکر می‌شود، عملاً برای کودکان ایرانی و نیز حتی بزرگسالان و معلمان بیشتر قابل فهم است و باید آموزش موسیقی و ریتم از این جا (۶/۸) آغاز می‌شود.

وی اضافه می‌کند: در حال حاضر بسا توجه به مشکلات متعدد برای مسالهی آموزش صرف موسیقی که طبیعتاً هم پس از مطالعاتی صحت آن رقم خورده است برای این دوره حداقل تا چهارم ابتدایی آموزش صحیح نمی‌باشد و چه بسا فراگیر را منجر هم بکند ولی در حد آشنایی و ارتباط با طبیعت و دیگر رشته‌های درسی هنری مثل نمایش، نقاشی، میراث فرهنگی، کار دستی و... تا دروس حساب و فارسی و علوم و غیره. مهم‌ترین مطلب دیگر این است که آنچه به نام موسیقی کودک در ایران معرفی می‌شود، نه هویت فرهنگی ایرانی دارد و نه رنگ و بوی ملی و مذهبی. بلکه کپی ناقص و کم عمقی است از نوعی موسیقی برنامه‌های غربی که هم‌اکنون در غرب هم دیگر بدین شکل رواجی ندارد و بهتر است کارشناسان محترم با علوم دیگر آشنایی یابند. می‌باید به جای سازهای کارل آرف، در فکر ساختن شکل‌های جمع و جورتر و کوچکتری از سازهای کلاسیک و ملی ایران باشیم تا ارکسترهای صدادهی خاص موسیقی ایرانی باشد.

بیکه آهنگساز کودک می‌گوید: «کودکان قبیل از فراگیری حروف و نوشتن می‌توانند با حضور در کلاسهای جسمی تحت نظر مربی با تجربه و حضور با انجام حرکات موزون و حرکات ترانسمی ساده و کودکانه با ریتم و ملودی البته غیر مستقیم و نیمه‌دکاهانه با صدای سازها آشنا شوند البته بخاطر سن کم کودک زایشی استناد با شاگرد (کودک) خیلی مهم است. قطعا استناد باید بسیار صورت باشد و بیان سبک‌ها همراه با (مهر و محبت) انتخاب کند و روشی که برای آموزش انتخاب می‌کند باید بسیار ساده و خور از هرگونه پیچیدگی فنی در ساختار موسیقی باشد».

■ محمد میرزمانی در مورد چگونگی تصنیف مجموعه قطعات «نماز سرچشمه‌ی پاکها» می‌افزاید: «تنوع، جذابیت و نشاط در عناصری که در بالا ذکر شد از ویژگی‌های این اثر است و تا حد امکان سعی کردیم ریتم‌ها، ملودی‌ها، سازها با شفافیت و وضوح (قابل شناسایی) به کار گرفته شوند تا کودک امکان برقراری ارتباط با این قطعات را داشته باشد. اولین قدم در ساختن موسیقی محض برای کودک این است که مشخص کنیم برای چه مقطعی می‌خواهیم آهنگ بسازیم. مثلاً برای گروه‌های ۴ تا ۶ سال، قطعات معمولاً با قصه و عمدتاً از زبان حیوانات است. نکته‌ی بعدی این است که در فرهنگ تربیت کودکان، عموماً به کلام اهمیت دهیم و بدانیم کودکان این مقطع سنی با شعر ارتباط بهتری برقرار می‌کنند تا با موسیقی بدون کلام. البته آهنگسازان باید روان‌شناسی کودک، فرهنگ بومی، میزان هوش و قدرت کودک را هم در نظر بگیرند».

■ فریبرز لاچینی، می‌افزاید: «هر چند موسیقی کودک در ظاهر بسیار ساده است، اما کاری بسیار حساس است، متأسفانه امروزه



نمید محمد میرزمانی



مسعود نظر

شاهد ساخت مجموعه‌هایی برای کودکان هستیم که عملاً متناسب با کودکان نیست و بیشتر جنبه‌ی تخیلی دارد؛ در حالی که در دنیای امروز به این مقوله اهمیت بسیاری داده می‌شود»

■ **مسعود نظر** آهنگساز قطعات، فرزند ایران، کفش دوز که، صدای سبز، امیر بچه و... می‌گوید: «سازهای ساده مثل سیلفون‌ها، فلوت ریکوردها و سازهای تیغی و آگوستیک که نواختنی ساده دارد می‌توان قطعات مناسب برای کودکان ساخت.»

وی می‌افزاید: «استفاده‌ی مطلق سازهای افکتیو مثل ارگ و سینتی‌سایزر فاجعه است اما متأسفانه به دلیل سهل‌وصول‌تر و کم هزینه بودن این سازها رایج شده است.»

موسیقی کودک به دلیل این که موسیقی، مشکلات فراوانی داشته است، چندان رشد نکرده است به همین دلیل موسیقی کودک نیاز به کارشناسانی دارد که خوب تعلیم ببینند و آن را به‌طور تخصصی آموزش داده و شاگردان مستعدی را در این زمینه تربیت کنند نه این که به صرف مسایل مالی به ساخت موسیقی کودک روی آورند.

در حال حاضر جای خالی آموزش صحیح در موسیقی کودک خالی است و بسیاری از مسایل موسیقی ما به دلیل ضعف آموزش است. امروزه موسیقیدان ما باید بدانند که می‌توان یک بچه پنج ساله را خوب آموزش داد و به یک استاد تبدیل کرد چون در عمل انسان ۲۵ ساله از دست رفته است و فقط می‌تواند از موسیقی لذت ببرد و محدود کسانی را داریم که موسیقی را در سنین بالا شروع کرده‌اند و موفق شده‌اند.

مدیر شرکت پالانت که در امور موسیقی کودک فعالیت دارد در گفت و گویی اعلام کرده بود: «به دلیل



فریبرز لاجینی

بی‌توجهی به موسیقی کودک، این موسیقی از نظر کمی و کیفی روز به روز مسیر نزولی داشته و آثار آراژه شده روز به روز ضعیف‌تر می‌شوند.»

■ **حمید منوچهری** با بیان این مطلب که تولید آثار موسیقی در عرصه‌ی کودکان زیاد است، افزود: «تولیدات موسیقی کودک نسبت به گذشته کاهش یافته است. قبلاً به موسیقی پاپ یا راک مجوز فعالیت نمی‌دادند لذا آهنگسازان بیشتری در تولید موسیقی کودک مشارکت داشتند اما الآن به دلیل صدور مجوز برای این موسیقی‌ها آمار تولید موسیقی کودک به شدت پایین آمده است.»

سازندگان موسیقی کودک نباید تصور کنند که چون با کودک سر و کار دارند می‌توانند هر نوع موسیقی را تولید کنند.

تولید موسیقی کودک باید برعکس پیش‌فرض مزبور صورت گیرد یعنی آهنگسازان بزرگ با زبان حال کودک موسیقی بسازند و همچنین قطعاتی که قوی و ساده و از اشیاء متناسب و زیبا برخوردار باشد تا برای کودکان قابل فهم و درک باشد.

■ **ارپ هوربه** آهنگساز کودکان در گفت‌وگویی می‌گوید: «موسیقی کودک از گستردگی زیادی برخوردار است اما مهمترین نکته‌ی قابل ذکر این حوزه‌ی موسیقی، که این روزها باب شده است استفاده از سازهای الکترونیکی در موسیقی کودک است. استفاده از سازهای الکترونیکی در موسیقی کودک چیزی مثل مضرات استفاده‌ی کودکان شیرخواره از غذای مرکب است در حالی که این کودک به غذاهای ساده نیاز دارد.»

وی افزود: «صداها‌ی تولید شده از سازهای الکترونیکی برای کودکان سنگین است.

صدای سازهای کودک باید دارای ملودی‌های ساده بوده با

فواصل ملودی‌های کوتاه باشند که این ویژگی‌ها در سازهایی مثل ارگ به چشم نمی‌خورد.

این آهنگساز با انتقاد از نحوه‌ی فعالیت مدرسان موسیقی کودک در مهد کودکها که با استفاده از ارگ آموزش می‌دهند می‌افزاید: «هر چند این آهنگها همچنان انگیز است اما به درد موسیقی کودک نمی‌خورد چون در برخی آهنگها شاهد هستیم که شعر کودک را بر روی ترانه‌های مردمی پیاده می‌کنند.»

وی ادامه می‌دهد: «چنانچه ملودیها به کار رفته در موسیقی سنگین باشد کودکان توانایی ارتباط با آن را نخواهند داشت. ولی در حال حاضر شاهدیم که در موسیقی کودک به کرات از صدای ارگ استفاده می‌شود و هر کاست‌هایی که آرایه می‌شود سازندگان، ملودیها را از خارج گرفته و تنها شعر کودک را روی آن قرار می‌دهند. این ملودیها خاص کودکان نبوده و با دیدگاه‌های تکنیکی ویژه‌ی موسیقی کودک تولید نشده است.»

این روزها موسیقی به واسطه‌ی اینکه یک زبان بی‌واسطه است در پیشرفت و تکامل فکری و روحی کودک نقش زیادی دارد. از یک طرف قواعد موسیقی به دلیل استفاده از قواعد ریاضی تکامل فکری کودک موجب می‌شود، از طرف دیگر خود موسیقی به دلیل زیاد بودن جنبه‌های احساسی در پرورش روح خالص مفید است. اگر توجه به زندگی اساتید بزرگ موسیقی بیندازیم متوجه می‌شویم که بیشتر آنها از کودکی با موسیقی آشنا شده‌اند و به این درجه رسیده‌اند البته با پیشرفت علم و تکنولوژی و سرمایه‌گذاری کلان و برنامه‌ریزی درست می‌توان آینده‌ی خوبی را برای کودکانمان پیش‌بینی کنیم. به شرط اینکه خودمان را در برابر نسل آینده مسئول بدانیم.